

درآمدی بر روزنامه‌نگاری سرزمین گلستان

رحمت الله رجایی

چکیده:

انتشار مطبوعات در استان گلستان (گرگان زمین) دارای پیشینه است، گرچه پیشینه مطبوعاتی این استان به تهران و آذربایجان نمی‌رسد، ولی می‌توان آثاری از تلاش‌های مطبوعاتی در آن یافت. متأسفانه تاکنون تلاش جامعی برای تدوین تاریخ مطبوعات استان صورت نگرفته است این نوشتار اشاره‌ای مختصر و کوتاه به سابقه فعالیت مطبوعاتی در گرگان و معرفی چند نشریه دارد.

۱) نخستین گام برای نشر مطبوعات

همچنین سرزمین‌های روسی مجاور با استرآباد بر خلاف قفقاز، خود از تحولات نوین روسیه بسیار دور بوده و کمتر رفت و آمدی توسط مردم به آن مناطق صورت می‌گرفت.

اولین حرکت برای انتشار نشریه در استرآباد در سال ۱۳۰۳ توسط کربلایی علی اصغر تقی‌آف صورت گرفت که علی‌رغم فراز و نشیب‌های متعدد، سرانجامی نا موفق داشت، تقی‌آف در نامه‌ای خطاب به ریاست جلیله معارف استرآباد تقاضای صدور امتیاز روزنامه‌ای موسوم به جهان را می‌نماید. وی در تقاضا نامه خود می‌نویسد:

«۱. اسم بنده (که مدیر مسئول هستم) علی اصغر تقی‌آف و محل اداره روزنامه، مدرسه سردار واقع در محله نعلبندان شهر استرآباد است.

۲. چون در این شهر (استرآباد) بدیختانه هیچ قسمی از مطابع موجود نیست، بالاچار با اسباب ژلاتینی طبع روزنامه کرده و در آتیه کوشش خواهیم کرد و بلکه به برآوردن مطبعه که از هر سیستم باشد بتوانم موفق باشم.

۳. عنوان روزنامه: [جرجان] هفتگی است و هر هفته روزهای شنبه انتشار خواهد یافت.

نخستین گام‌ها در انتشار نشریات ادواری در استان گلستان را می‌بایست در انتشار شبنامه‌هایی جست‌جوی که همزمان با شکل‌گیری انقلاب مشروطیت و فعالیت مجاهدان مشروطه خواه در استرآباد (گرگان) منتشر می‌شدند. در یکی از گزارش‌های ارسالی از استرآباد آمده است: «تقریباً ده شب می‌شود؛ هر شب ده نمره شبنامه به خط (. .) از روی شماره در کوچه و بازار دیوان خانه و معابر می‌اندازند.»^۲ همچنین نشریات چاپ شده در تهران و برخی روزنامه‌های روسی که گاه در این منطقه توزیع می‌شدند. براساس تقسیم‌بندی مستوفی الممالک نخستین شماره‌های نشریه ایران برای ۳۴ نفر در استرآباد ارسال می‌شد. تلاش برای انتشار نشریات در این منطقه با تأخیر فراوان نسبت به دیگر نقاط ایران همراه بود که دلیل آن را می‌توان در دوری از مرکز سیاسی و تحولات اجتماعی و فرهنگی ایران دانست. اگر چه در استرآباد و اطراف آن روس‌ها حضور داشته و کنسولگری آنها فعال بود، ولی این حضور اصلاً تأثیر فرهنگی نداشته است.

۴. عدد چاپ هر نمره صد نسخه خواهد بود.

۵. مسلک روزنامه طرفداری از آزادی وطن عزیز و مخصوصاً قسمت‌های اخلاقی این روزنامه ادبی و فکاهی و اخبار است. «
تقی اف از تجار متوسط جامعه بوده و در معرفی خود می‌نویسد: «
ایرانی و تبعه دولت علیه ایران هستم. سن ۳۲ سال تاکنون مرتکب جنحه و جنایت نشده و بحمدالله تعالی مشهور به فساد عقیده و فسق نبوده‌ام. در هیچ اداره مستخدم نیستم که مراتب فوق مورد تأیید حبیب الله مقصود (مقصودلو) از معارف استرآباد قرار می‌گیرد.»
اما بعد از ارسال تقاضا به تهران، شورای عالی معارف به وجود کلمه اف در فامیلی وی ایراد می‌گیرد و اعطای امتیاز روزنامه را منوط به حذف کلمه اف می‌کند که در نتیجه تقاضا نامه‌ای جدید با تعویض اسم به نام علی اصغر شفیعی به تهران ارسال می‌گردد و روزنامه هم از «جهان» به «جرجان» تغییر نام می‌یابد.

آجودان قسمت قشون و رئیس تشکیلات نظمیه استرآباد در این باره می‌نویسد: در تبعیت مشار الیه علی اصغر شفیعی شکی نیست که ایرانی نژاد و ایرانی است. ولی مقتضی می‌داند قبلاً تعیین نماید که شخص با چه وسیله قصد طبع و نشر روزنامه دارد. همچنین در ۲۴ مرداد ۱۳۰۰ ق. وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه می‌نویسد: «مقام منبع وزارت جلیله متبوعه دامت شوکته، آقای کربلایی علی اصغر شفیعی استرآبادی به وسیله معارف محل تقاضای امتیاز جریده [ای] به نام «جرجان» را نمود که در استرآباد با مسلک طرفداری آزادی وطن و اخلاق و ادبی فکاهی و اخباری منتشر نماید و بر طبق ماده ۶ قانون انطباعات، اسناد و مدارکی که دلالت بر بلوغ سن و عدم ارتکاب جنحه و جنایت دارد، تهیه کرد که عیناً از لحاظ مبارک [می‌گذرد]. چون اداره کل معارف مطابق اسناد محوطه مشارالیه را واجد شرایط جریده نگاری تشخیص داد لهذا پیشنهاد می‌نماید که مقرر دارند برای تصویب به شورای عالی معارف ارسال گردد. ۵. از ادامه تلاش‌ها و انتشار روزنامه جرجان خبری تاکنون توسط نگارنده دیده نشده است.»

۲) عبهری پیشکسوت روزنامه نگاری در گلستان:

از جمله نشریاتی که می‌توان آن را جز پیشگامان مطبوعات استان گلستان دانست «نامه قابوس» است که در سال ۱۳۱۴ ش. توسط عبهری منتشر می‌شد. میرزا محمد علی خان عبهری معروف به (سپهری) فرزند محمد صادق سپهر به سال ۱۲۸۷ ش. در استرآباد به دنیا آمد. او آموزش دروس اسلامی، ادب، فارسی و علوم زمان

خویش را زیر نظر دایی خود، شیخ محمد عبهری فرا گرفت. عبهری مدرسه‌ای در گرگان ایجاد کرد و خود «مدرس» آن بود و در آن دروس اسلامی و ادب فارسی و علوم به روش نویی تعلیم داده می‌شد. عبهری سرودن شعر را در کودکی آغاز و خیلی سریع مشهور شد. به همین مناسبت مربی و دایی او شیخ محمد علی در مجلسی که برای اعطای تخلص به این چکامه سرای نوجوان با حضور علما و معارف گرگان ترتیب داده بود، وی را به عبهری متخلص ساخت و افزود که من این تخلص را از شدت دل بستگی و آرزوی درخشش سزاوار او در آینده برگزیدم تا با نام و تخلص من فقط یک حرف تفاوت داشت [باشد]. عبهری به یادگیری زبان فرانسه پرداخت و در همان اوان جوانی در اجتماع خود شاخص و به ویژه در شعر و ادب و نویسندگی، مشهور شهر و بعضی از جراید مرکز شد. او در گرگان نخستین کتابخانه و قرائت خانه عمومی را تأسیس کرد و با ترغیب و تشویق همشهریان خود به خواندن کتاب و مطبوعات و تحصیلات جدید، در اعتلای مقام علمی و اجتماعی مردم شهر خویش سهمی به سزا ادا کرده.

عبهری جدا از فعالیت فرهنگی به فعالیت اجتماعی هم می‌پرداخت.



از آغاز موقتاً به طور هفتگی و در آتیه نزدیک هفته‌ای سه شماره انتشار خواهد یافت. دوباره از یزدان پاک و از فوج بی‌آلایش شما توفیق می‌طلبم.» اما به گفته فرزندانشان، به چاپ مجدد آن موفق نمی‌شود. شاعر و روزنامه نگار گرگان سر انجام در ۱۹ فروردین ۱۳۵۰ چشم از جهان فرو می‌بندد و در بهشت زهرای تهران قطعه ششم شماره ۲۲ ردیف ۵۲ برای همیشه آرام می‌گیرد.

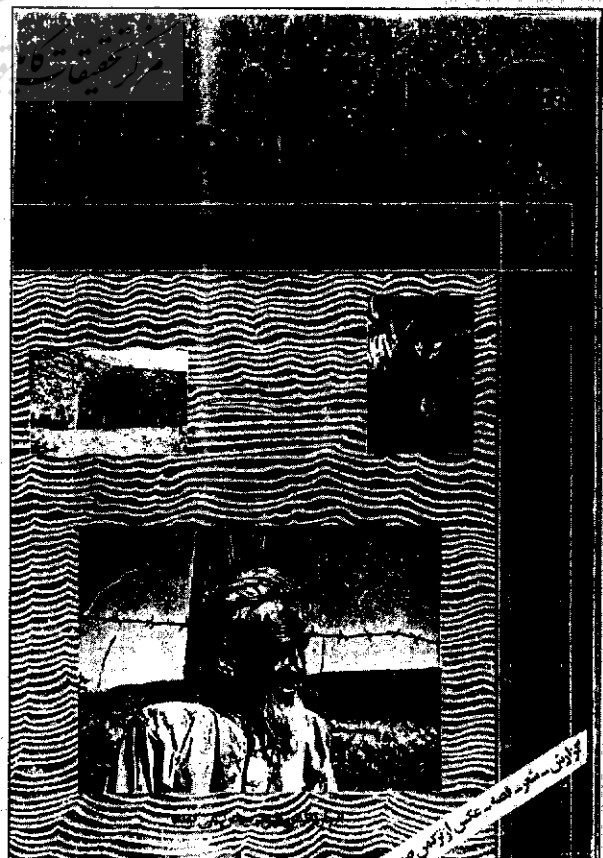
۳) مطبوعات گلستان بعد از سال ۱۳۲۰ و معرفی یک چهره فعال مطبوعاتی

حوادث سال ۱۳۲۰ (سقوط حکومت رضا شاه و ایجاد فضای باز سیاسی) زمینه را برای فعالیت‌های فرهنگی بخصوص روزنامه نگاری در نقاط مختلف کشور از جمله گرگان فراهم ساخت. در فاصله سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ نشریات مختلفی در گرگان منتشر شدند که برخی از آنها عبارتند از «آذر گرگان» به صاحب امتیازی علی اصغر کشاورز، «پیام گرگان» به صاحب امتیازی عباس میرآیین، «قیام شمال» به صاحب امتیازی عبدالله شریفی، «آسمان گرگان» به صاحب امتیازی سید حسن حسینی، «اتحاد تراکمه»، «اصناف گرگان» به

صاحب امتیازی حاج ابراهیم برادران، «صدای گرگان» به صاحب امتیازی علی اکبر رهبر، «ندای گرگان» به صاحب امتیازی ابوالفضل قاسمی و ...

کودتای ۲۸ مرداد در سال ۱۳۳۲ باعث برقراری دیکتاتوری و ایجاد انقطاع در انتشار نشریات شد اما بعد از کودتا و در فاصله سال‌های ۳۲ تا ۵۷ نشریاتی در این منطقه منتشر می‌شد که، فعالترین چهره مطبوعاتی این سال‌ها، منوچهر نوازش است. اصالتاً آذربایجانی و دارای مدرک دیپلم بود. برادرش افسر ژاندارمری بود که مدت‌ها در منطقه خدمت کرد هم او پای «منوچهر نوازش» را به گرگان کشاند «نوازش» در سال ۱۳۴۲ با میهن دخت جرجانی دختر محمد آخوند از رهبران منتقد ترکمن و نماینده مجلس از دواج کرد. همسر نوازش پزشک بود که گاه مطالبی از او در نشریه چاپ می‌شد در فاصله سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۵ نوازش به همراه عبدالله شرف‌شاهی هفته نامه خبری و اجتماعی شمال ایران را در ساری و گرگان منتشر می‌کرد که یکباره این نشریه توقیف و مدتی بعد به نام خجسته مجدداً منتشر شد. همچنین او نشریه‌ای با نام نهضت را به روش خبری و اجتماعی منتشر می‌کرد که احتمالاً این نشریه در سال ۱۳۴۰ تغییر نام یافت و با نام جدید شمال ایران منتشر شد این نشریه در قطع روزنامه‌ای و به صورت هفتگی و عموماً در ۴ و بعد ۸ صفحه منتشر می‌شد هئیت تحریریه نشریه زیر نظر ایرج فرزانه و مدیریت داخلی آن بر عهده تقی رسولی و ... بود. نشریه دارای دفتری در گرگان و گاه ساری و تهران بود. منوچهر نوازش به علت نوشتن مقاله‌ای درباره تصاحب زمین توسط تیمسار مزین، نماینده تام‌الاختیار شاه در منطقه به دادگاه کشیده شد و سرانجام بعد از محاکمه در گرگان و ساری نشریه او توقیف گردید. شمال ایران با اخبار و مطالبی از جهان و ایران چاپ می‌شد: یک صفحه از این نشریه دارای خبرهای مصور هفته بود که عموماً متعلق به مقامات طرز اول وقت کشور بود که از خبرگزاری پارس گرفته می‌شد. در این نشریه یک صفحه به مازندران و صفحه دیگر به گرگان و دشت اختصاص یافته بود شمال ایران برای کسب درآمد و تأمین مخارج اقدام به چاپ آگهی ثبتی می‌کرد و دارای صفحه این با نام نیازمندی‌های عمومی بود. دفتر این نشریه در خیابان کاخ گرگان و قبل از آن در خیابان مدل بود. شمال ایران هر دو ماه یکبار ضمیمه‌ای منتشر می‌کرد که جنگ باران ویژه هنر و فلسفه در سال ۱۳۴۶ از آن جمله است.

۴) انقلاب ۱۳۵۷ و معرفی نشریات «کتاب فصل» و



«فصل گرگان» و «پیام مستضعفین»

است که ما برای جمعیت‌ها و گروه‌های مشابه بخصوص کانون نویسندگان ایران که انقلاب ملت ستم‌دیده ما را پاسداری می‌کنند، ارج و اعتبار قائلیم و هم قدم هر کوشش راستینی هستیم که انقلاب را با طراوت و مداوم نگه دارد و ادای دین به خون‌های ریخته شده شهدای راه آزادی باشد. بنا بر این هر جا پیامی و صدایی بر حق از موضعی مردمی و مدافع آزادی‌های فرهنگی، اجتماعی و استقلال هموطنان باشد، کانون آنجا حضور خواهد داشت، از خط مشی جمعیت‌ها، احزاب و یا سازمان‌های سیاسی چه مستقل و چه وابسته پیروی نمی‌کند و بر عدم وابستگی خود تأکید و بر موضع مستقل صنفی و بر مبنای اهداف خود تکیه دارد.»

کتاب فصل زیر نظر شورای دبیران کانون منتشر می‌گردد و گردانندگان آن سید حسین میر کاظمی، قاری و محمد مهدی مصلحی بودند.

«فصل گرگان»

این نشریه به قطع رقعی با تیراژ ۱۵۰۰ نسخه در تابستان سال ۱۳۶۹ برای اولین و آخرین بار منتشر شد. فصل گرگان ادامه «کتاب فصل» بود که در ۱۰۴ صفحه با مطالب مختلف از جمله مقاله داستان، گفت و گو، شعر و . . . منتشر گردید فضای حاکم بر این نشریه روشنفکری اما متفاوت با سال‌های ۵۷ تا ۶۰ بود اگر چه در این نشریه اسمی از سردبیر نبود اما گردانندگان آن سید حسین کاظمی، م قاری و غلام قاری بودند. مصاحبه با اسماعیل خوبی پیرامون شعر و شاعری در ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران توران میرهادی پیرامون ادبیات کودکان قبل و بعد از انقلاب، فرامرز سلیمانی پیرامون شعر و

تحولات سال ۱۳۵۷، دوره جدیدی از فعالیت‌های مطبوعاتی را در کشور از جمله در منطقه گرگان و دشت به دنبال داشت که طی آن نشریات مختلفی از جمله پیام مستضعفین، نیلکوه، بنیاد، ایل گویچی، ندای ترکمن منتشر شدند که فصل نامه کتاب فصل از جمله آنهاست. «کتاب فصل» نامه کانون نویسندگان و شاعران گرگان نشریه ادبی، اجتماعی، فرهنگی و علمی بود که شماره اول آن در تابستان ۱۳۵۷ در ۱۴۰ صفحه در قطع رقعی و در شمارگان ۳۰۰۰ منتشر گردید. در شماره اول این نشریه مقاله‌ای از شولوخف (نویسنده روسی)، قصه‌هایی از سیدحسین میر کاظمی امیرحسین چهل تن، اشعاری از کاشانی‌راد، محمد قاری، باقر مؤمنی، منوچهر آتشی و هوشی مینه همچنین نامه ای از ماکسیم گورکی و گوته همراه با معرفی ابنیه تاریخی میل رادکان طرح، عکس و . . . را در خود جای داده بود. شماره ۲ و ۳ کتاب فصل در یک مجلد در بهار و تابستان ۱۳۵۹ و در ۲۰۶ صفحه با مقالاتی از باقر مؤمنی، مارکس، انگلس، لوکاچ به همراه اشعار، قصه، گزارش، گفت و گو، نمایشنامه، عکس طرح منتشر شد. شماره ۴ کتاب فصل در بهار سال ۱۳۶۰ در ۱۴۰ صفحه و در همان قطع رقعی منتشر گردید. مطالب این شماره همچون شماره‌های قبلی، از نویسندگان مختلف از جمله کوزلوف، رالف و نیتز، پاپلو نرودا و نویسندگانی چون شاملو، میر کاظمی، قاری، سلیمانی و . . . بود. فضای حاکم بر نشریه کاملاً روشنفکرانه با گفتمان غالب چپ و تحت تاثیر شرایط پر تب و تاب تحولات سال‌های ۵۷ تا ۶۰ ایران بود. کتاب فصل هیچ ارتباطی با تشکیلات کانون نویسندگان ایران نداشت و ارگان کانون نویسندگان و شاعران گرگان بود، این کانون در اسفند سال ۱۳۵۷ تأسیس و از پانزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۵۸ اعلام موجودیت و با انتشار اساس نامه و بیانیه فعالیت خود را شروع کرد.

در بخشی از مقدمه اساس نامه کانون نویسندگان و شاعران گرگان آمده بود:

«قلمزن آزاده در عصر انقلاب ما، مسئولیت سترگی به دوش می‌کشد و آن حفظ دستاوردهای انقلاب و نگهداری از آزادی است، چرا که در مبارزه با امپریالیسم جهانی و جلوگیری از پیدایش هر گونه استبداد تازه و عناصر بهانه تراش و باز دارنده آزادی‌ها، نویسندگان و شاعران با تقویت آگاهی مردم و تنویر افکار و با خلق و ابداع آثار فرهنگی و اجتماعی در ایجاد فرهنگ انقلابی، عاقل پویا بوده و هستند. از این رهگذر قلم و بیان برای ما حربه‌ای در راه نگهداری آزادی و استقلال و حمایت از طبقات ستم‌دیده و مرحوم اجتماعی می‌باشد و بدینسان



شاعری همچنین اشعاری از محمد مختاری و آنتی گونه به روایت احمد شاملو برای اولین بار در نشریات کتاب فصل و فصل گرگان صورت گرفت.

پیام مستضعفین:

پیام مستضعفین ارگان کانون فرهنگی اسلامی گرگان و دشت و باروش خبری، انتقادی، مذهبی و سیاسی بود که شنبه‌ها در ۸ و گاهی ۱۰ صفحه و به قیمت ۱۵ ریال منتشر می‌گردید. پیام مستضعفین در ابعاد (۵۴ × ۳۷) با کاغذ روزنامه‌ای بود. مطالب این نشریه شامل مقالات سیاسی، اجتماعی و مذهبی و مناسبت‌ها، متناسب با فضای انقلابی و پرتب و تاب جامعه ایران در سال‌های اولیه انقلاب بود. جنبه خبری این نشریه ضعیف بود و جز صفحه نخست که یک یا دو عکس پرسنلی داشته، از عکس‌های خبری در آن اثری نبود. در صفحات

نشریه سخنانی از رهبری جمهوری اسلامی و برخی شعارها آورده می‌شد.

سال آغاز انتشار پیام مستضعفین، ۱۳۵۸ و محل انتشار آن، گرگان بود. دفتر این نشریه در پاساژ شیرنگی قرار داشت و چاپ آن هم در تهران صورت می‌گرفت. سردبیری پیام مستضعفین را عابدین سلیمانی ایلداری بر عهده داشت و صاحب امتیازی و مدیر مسئول آن بر عهده محمد روحانی فرد^۱ بود.

تأسیس استان جدید گلستان و نیاز مبرم به وجود اطلاع‌رسانی مستقل، سرآغاز یک جهش بزرگ در انتشار مطبوعات در این استان شد که در پی آن نشریات مختلفی از جمله گلستان ایران، گلستان نو، گلشن مهر، گرگان امروز، سلیم، همزیستی، حریفه، فراغی، یا پراق شروع به انتشار کردند. گلستان ایران و گرگان امروز توقیف گشته و بقیه کار خود را ادامه می‌دهند.

پانویس:

استان گلستان یکی از استان‌های شمالی ایران است که پیش از این بخشی از استان مازندران بود؛ در سال ۱۳۷۶ از استان مازندران جدا و استانی مستقل به مرکزیت گرگان تأسیس شد. این منطقه از ایران همواره مستقل از نواحی اطراف بوده و قدمت آن به سال‌های پیش از تاریخ می‌رسد. کاوش‌های باستان‌شناسی در تورنگ تپه و آق تپه اثبات‌کننده وجود زندگی پیشرفته اجتماعی در آن است. وجود دیوار تاریخی گرگان به عنوان دومین دیوار بزرگ جهان حکایتگر اهمیت گرگان زمین می‌باشد این منطقه در دوران باستان به هیرکان و در دوران اسلامی به جرجان معروف بود. برج بلند قاپوس بن وشمگیر یادگاری از دوران پشکوه آل زیار همچنان برجاست. استرآباد و جرجان از سال ۱۳۱۶ جزء استان دوم در آمد و بعد ها قسمتی از مازندران شدند. در استان گلستان بالغ بر یک میلیون و پانصد هزار جمعیت ساکن هستند که مردم آن به زبان‌های فارسی، مازندرانی، ترکی و بلوچی صحبت می‌کنند و اهل مذهب تشیع و تسنن هستند. اکثریت آنها فارس و درآمد اغلب مردم از کشاورزی تأمین می‌شود.

۱. مقدمه‌ای بر شناخت پیشینه مطبوعات در استان گلستان، ۱۳۵۷، ۱۲۸۵ ش، رجایی رحمت‌الله، فصلنامه گلستان شماره ۲ پاییز ۱۳۸۲.

۲. استرآباد و نواحی اطراف از جمله کانون‌های جنبش مشروطیت بود. مشروطه خواهان این منطقه به رهبری شیخ محمد حسین مقصدولو فعالیت گسترده داشتند که از جمله آن‌ها انتشار شبنامه بود.

۳. مخابرات استرآباد، وکیل الدوله مقصدولو، نشر تاریخ ایران.

۴. قاسمی، سید فرید سرگذشت مطبوعات ایران، جلد یک سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صفحه ۱۳۳.

۵. کاوه بیات و مسعود کوهستانی نژاد، اسناد مطبوعات ۱۳۲۰-۱۳۸۶ ش، ج ۱، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران.

۶. معطوف، اسدالله، تاریخ فرهنگ و ادب گرگان و استرآباد، موسسه فرهنگی انتشاراتی علوم طبیعی پدیده گرگان، صفحه ۳۳۰.

۷. سید محمد صدر طباطبایی نائینی در کتاب راهنمای مطبوعات ایران، جلد یک از دو نشریه به نام نهضت نام می‌برد: اولی به صاحب امتیازی محمد شیوا مدیر مسئول قاسم شریف حسینی و سر دبیر علی افلاطون پور و منوچهر نوازش که در تهران، تبریز و گرگان و ساری طی سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۴۰ منتشر می‌شد و دومی نشریه نهضت به روش خبری اجتماعی به صاحب امتیازی منوچهر نوازش در ساری و گرگان که از سال ۱۳۳۴ به صورت هفتگی منتشر می‌شد.

۹. روحانی فرد متولد سال ۱۳۲۵ روستای ایلدار از توابع شهرستان کردکوی واقع در استان گلستان است که سال‌ها در حوزه علمی گرگان قم و مشهد درس خواند و به کسوت روحانیت درآمد. او نوشتن را با مجلات نور دانش و ندای حق در قم آغاز و بعد از گرفتن دیپلم وارد دانشگاه مشهد شد و به تحصیل در رشته الهیات و معارف اسلام پرداخت. همراهی او با انقلاب سال ۵۷ باعث شد تا سمت‌های سیاسی همچون فرمانداری کردکوی را بر عهده بگیرد. بعد از مدتی او به وزارت خارجه رفت و در آنجا مشغول کار شد. هوایم‌های حامل روحانی فرد و دیگر مقامات در ۱۳۶۴/۱۲/۱ مورد حمله هوایم‌هایی عراقی قرار گرفت و او به همراه جمعی از مسئولین به شهادت رسیدند.